

«بِنام خدا»

(آموزش قواعد عربی نهم)

۱) وزن و حروف اصلی :

در زبان عربی بیشتر کلمات سه حرف اصلی (ریشه) دارند .

مثلاً کلمه های عالم - معلوم - علیم - علامه که هم خانواده هستند حروف اصلی (ریشه) آنها «ع - ل - م» است.

در زبان عربی هر کلمه آهنگی دارد که آن را "وزن" کلمه گویند. وزن کلمه ها با سه حرف «ف ، ع ، ل» سنجیده می شوند. یعنی این سه حرف به جای حروف اصلی قرار می گیرند و حرکات و بقیه حروف (حروف زاید) در کلمه وزن در جای خودش نوشته می شوند .

مانند: حاکِم برون فاعِل ح ا ک م ← ف ا ع ل

در این کلمه حروف «ح ک م» حروف اصلی و حرف «ا» حرف زاید است.

کلمه	وزن	حروف اصلی	حروف زاید
مَسْجِد	مَفْعِل	س ج د	م
تَعْلِيم	تَفْعِيل	ع ل م	ت ی
اِخْبَار	اِفْعَال	خ ب ر	ا
مُعَلِّم	مُفَعِّل	ع ل م	م تکرار ل

نمونه

تذکر: در کلمه های تشدید دار حرف مشدد دو حرف محسوب می شود.

فن ترجمه:

— هر کلمه ای بر وزن فاعل باشد (انجام دهنده کاریا دارنده حالتی) است که در زبان فارسی معادل صفت

فاعلی است . مانند: ذاهِب : رونده کاتب : نویسنده

— هر کلمه ای بر وزن مفعول باشد (پذیرنده انجام کار یا حالت) است که در زبان فارسی معادل صفت

مفعولی است .مانند: مکتوب : نوشته شده منصور : یاری شده

فعل امر : به انجام دادن کاری دستور می دهد و در زبان عربی از فعل مضارع مخاطب ساخته می شود.

به این ترتیب : ۱- به جای حرف مضارع (ت) همزه (ا) می گذاریم.

۲- در آخر فعل به جای نُ نشانهٔ — و حرف (ن) بعد از «و - ا - ی» حذف می شود.

۳- اگر حرف دوم اصلی — یا — داشته باشد همزهٔ اول فعل — می گیرد و گرنه — می گیرد.

مانند : تَحْمِلُ (می بری) —> اِحْمِلْ (ببر) / تَشْرَبُ (می نوشی) —> اِشْرَبْ (بنوش) / تَكْتُبُ (می نویسی) —> اُكْتُبْ (بنویس)

تَعْبُرَانِ (عبور می کنید) —> اُعْبُرَا (عبور کنید) / تَنْصُرُونِ (یاری می کنید) —> اَنْصُرُوا (یاری کنید) (ا برای زینت است)

تَذْهَبُ (می روید) —> اِذْهَبْ (بروید) (فقط در صیغهٔ جمع مؤنث حرف نون حذف نمی شود)

فعل نهی : به انجام ندادن کار دستور می دهد. تَجَلِسُ (می نشینی) : لا تَجَلِسْ (ننشین)

ساخت فعل نهی: حرف «لا» در اول فعل مضارع می آید و آخر فعل به جای — نشانهٔ — می گیرد و در صیغه هایی که حرف

آخرشان (بعد از و - ا - ی) نون (ن) است حرف نون حذف می شود.

مانند : تَصْعَدُ (بالا می روی) —> لا تَصْعَدْ (بالانرو) / تَسْتُرَانِ (پنهان می کنی) —> لا تَسْتُرَا (پنهان نکن)

تَحْزِنُ (اندوهگین می شوی) —> لا تَحْزَنْ (اندوهگین نشو) / تَكْذِبُونَ (دروغ می گوئید) —> لا تَكْذِبُوا (دروغ نگوئید)

تَجْعَلَنَّ (می گذارید) —> لا تَجْعَلَنَّ (نگذارید) (در فعل نهی صیغهٔ جمع مؤنث حرف نون حذف نمی شود) مثل امر

ترکیب های وصفی (موصوف و صفت) و اضافی (مضاف و مضاف الیه)

۱- **موصوف و صفت** : دو کلمه کنار هم می آیند که شرایط هردو یکسان است. (هر دو یک نوع تنوین یا هردو «ال» دارند. هردو

مذکر یا هردو مؤنث - هردو مفرد یا مثنی یا جمع هستند)

مانند: مزرعةٌ کبيرةٌ (مزرعه بزرگی) / صفٌ جمیلٌ (کلاسی زیبا) / سَمَكَتَانِ قَبِيحَتَانِ (دو ماهی زشتی)

الرَّجُلُ الْكَرِيمُ (مرد بزرگوار) / الطَّبِيبَاتُ الْمَاهِرَاتُ (پزشکان زبر دست)

۲- **مضاف و مضاف الیه** : دو کلمه کنار هم می آیند که کلمه اول هیچ گاه ال و تنوین نمی گیرد ولی دومی می تواند

ال یا تنوین بگیرد.

مانند: بابُ العُرْفَةِ (در کلاس) / مُخْتَبَرُ الْمُسْتَشْفَى (آزمایشگاه بیمارستان) / صِنَاعَةُ الْبِلَادِ (صنعت کشور)

تذکر: ضمیر متصل به اسم همیشه مضاف الیه است. مانند: کتابک: کتاب تو (کتابت)

اگر یک اسم صفت و مضاف الیه بگیرد اول **مضاف الیه** بعد **صفت** می آید. (عکس زبان فارسی)

نکته

مانند: سَيَّارَتُكَ الْجَمِيلَةُ (خودروی زیبای تو) / أَخُونَا الصَّغُرُ (برادر کوچکمان)

مِنْصَدَتُهُ الْخَشَبِيَّةُ (میز چوبی او)

فعل معادل ما ضی استمراری : در زبان عربی فعل ماضی و مضارع با روشهایی معادل فعل های دیگر زبان فارسی

ساخته می شوند.

معادل فعل ماضی استمراری: کان + فعل مضارع ← ترجمه ماضی استمراری فارسی

کانَ يَزْرَعُ : می کاشت

يَزْرَعُ : می کارد

كانَا يَحْمِلَانِ : می بُرد

يَحْمِلَانِ : می بُرد

كُنْتُمْ تَظْلِمُونَ : ستم می کردید

تَظْلِمُونَ : ستم می کنید

تذکره: همانطور که در مثال دیدید فعل کان با فعل مضارع همیشه در صیغه یکسان است.

مگر زمانی که فعل غایب در اول جمله بیاید که همیشه مطابق قانون مفرد است.

مانند: كَانَ الطَّلَابُ يَذْهَبُونَ إِلَى السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ. دانش آموزان به گردش علمی می رفتند .

كَانَتِ الطَّبِيبَاتُ يَفْحَصْنَ الْمَرْضَى بِدَقَّةٍ. پزشکان بیماران را معاینه می کردند.